



• درآمد

در احادیث و روایات اسلامی نقل شده که «بهشت زیر پای مادران است». امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی نیز در یکی از فرمایشات خود فرموده است: «از دامن زن مرد به معراج می رود». در گفت و گو با مادر شهید شیخ راغب حرب، این مادر نمونه و فداکار لبنانی در روستای جیشیت، واقعا به این نتیجه رسیدیم که او با فداکاری و ایثار و تربیت جوانان مؤمن و متعهد مصداق بارز همه ارزش های اسلامی شده است. در این گفت و گو با مراحل پرورش استعدادها و تبلور اندیشه های شهید راغب حرب آشنایی شویم:

ویژگی های شهید راغب حرب از زبان مادرش خانم سکینه عبد الله حرب

شیخ شهید در خاندانی مبارز تولد یافت ...

وضعیت اجتماعی تان چگونه بود؟
خدا را شکر، پدرش قطعه زمینی داشت و روی آن کشاورزی می کردیم. ولی راغب حرب مدرسه می رفت و به تحصیل علاقه داشت. زمانی که فرزندم بزرگ شدند، بخشی از این زمین را تفکیک کردیم و برای آنان خانه ساختم.

شما نیز از خاندان حرب هستید؟
آری پدر و مادرم نیز از خاندان حرب هستند. همه از خاندان حرب هستیم.

این نشان می دهد که مردان شما جنگجو هستند؟
همین طور است... همه جنگجو هستیم. رفتار شیخ راغب حرب در دوران نوجوانی چگونه بوده است؟

شیخ راغب از سن نوجوانی خداپرست بوده است. در سن ۱۲ سالگی دست دوستان و همکلاسی های خود را می گرفت و دستجمعی به مسجد روستا می رفتند و نماز می خواندند.

هنگامی که اسرائیل به لبنان حمله کرد شیخ راغب چه واکنشی نشان داد؟

شیخ راغب در روز حمله به تهران سفر کرده بود. ولی با شنیدن خبر حمله بی درنگ به لبنان بازگشت.

چه تفاوتی میان ایشان و جوانان روستا وجود داشت؟

یکی از ویژگی های شیخ راغب حرب این است که هم نوعان خود را دوست داشت. اگر کاری از دست او ساخته بود به کمک جوانان روستا می شتافت. گاهی

خاندان حرب بوده است. همسرم تمایل داشت نام این شخصیت بارز را زنده نگه دارد و به همین دلیل اولین فرزندم را راغب نامگذاری کرد.
زمانی که شیخ راغب حرب متولد شد چه آرزویی داشتید؟ دوست داشتید چگونه فرزندتان باشد؟

در روستای جیشیت افراد زیادی وجود دارند که نام شان علی است. ولی در میان خانواده حرب کسی به نام «راغب» وجود نداشت. بر این اساس همسرم با اصرار و یک دندگی و بر خلاف خواست من نام راغب را برای اولین فرزندم انتخاب کرد.

دو هفته از تولد راغب حرب نگذشته بود که از سر کارم در مزرعه بازگشتم. او را در اطاق قرار می دادم و درب را قفل می کردم. برای درو کردن جو و گندم و برداشت محصولات کشاورزی به مزرعه خانوادگی می رفتم. چرا که شغل اصلی مان کشاورزی است. هنگام ظهر به خانه باز می گشتم و به او رسیدگی می کردم. ما این گونه فرزندانمان را تربیت می کردیم. این طور نبود که کنار آنها بنشینیم و خود را اسیرشان کنیم.

چند فرزند دارید؟
خداوند ۱۲ فرزند به من داده است. هشت فرزند پسر و چهار دختر.

چند نفرشان شهید شدند؟
عبد الله در سن ۱۸ سالگی در منطقه مغدوشه در شرق صیدا به شهادت رسید. فرزند دیگرم ابراهیم بر اثر برق گرفتگی جان سپرد. و شیخ راغب حرب که مزدوران اسرائیل او را در سال ۱۹۸۴ شهید کردند.

شهید شیخ راغب حرب چندمین فرزندتان بوده است؟

اولین فرزندم بود. زمانی که او را وضع حمل کردم دوست داشتم نام «علی» را بر او بگذارم، ولی پدرش به شلخت مخالفت کرد. همسرم اصرار داشت او را «راغب» نامگذاری کند. میان جوانان و کودکان روستای جیشیت افراد زیادی وجود دارند که نام شان علی است. ولی در روستا و در میان خانواده حرب کسی به نام «راغب» وجود نداشت. بر این اساس همسرم با اصرار و یک دندگی نام راغب را برای اولین فرزندم انتخاب کرد.

علت این که این نام را انتخاب کرد چیست؟
نمی دانم. ولی شنیده ام که نام یکی از بزرگان خاندان حرب که ده ها سال پیش در نبرد با استعمارگران فرانسوی به شهادت رسید راغب بوده است.
راغب حرب که در نبرد با فرانسوی ها شهید شد چه نسبتی با شما داشت؟
روابط خویشاوندی با ما نداشت، ولی یکی از بزرگان



استاندار شهر نجف که از اعضای حزب بعث بود با طلاب لبنانی جلسه تشکیل داد و به آنان گفت که دولت عراق به امور طلاب خارجی حوزه علمیه نجف رسیدگی می‌کند. شیخ راغب حرب در آن جلسه حضور داشت و به استاندار نجف گفت: «شما با این سخنان می‌خواهید ما را فریب دهید. چرا برخی طلاب را بازداشت کرده‌اید؟» استاندار نجف اشرف در آن جلسه نسبت به شیخ راغب حرب بدبین شد. پس از بازگشت به لبنان از نجف به شیخ راغب اطلاع دادند که از بازگشت به عراق خودداری کند. زیرا ماموران حزب بعث به خانه او یورش برده‌اند و اثاثه منزل را زیر و رو کرده‌اند. شیخ در پی دریافت این هشدار از بازگشت مجدد به نجف خودداری کرد و تصمیم گرفت دروس حوزوی را در حوزه‌های علمیه بیروت ادامه دهد. در محله فقیرنشین النبعه در شرق بیروت نیروهای مسیحی حزب فلاله نیز برای او دردرس ایجاد می‌کردند که او سرانجام تصمیم گرفت به حبشیت بازگردد.

این طور که گفته‌اید، شیخ راغب حرب در دوران جوانی با مشکلات و درد سرهای فراوانی مواجه

شیخ راغب از سن نوجوانی خداپرست بود. دست دوستان و همکلاسی‌های خود را می‌گرفت و دست‌جمعی به مسجد روستا می‌رفتند و نماز می‌خواندند. گاهی کار و زندگی‌اش را رها می‌کرد و به رسیدگی و کمک به حل مشکلات جوانان می‌شتافت.

بود. شما مانع رفتن او به نجف و بیروت و یا ایراد سخترانی‌های آتشین در مسجد حبشیت نمی‌شدید؟ خیر... تلاش‌های مستمر و مبارزات خستگی ناپذیر فرزندانم مرا شاد و خرسند می‌کرد. خدا را سپاس می‌گفتم که فرزند مؤمن و دلسوز مردم به من ارزانی کرده است. روزی که اسرائیلی‌ها برای بازداشت شیخ راغب به خانه‌اش یورش بردند، من در خانه او بودم. شیخ به مزرعه پشت خانه فرار کرد و میان درختان میوه پنهان شد. دنبال او دویدم و پاهایم به گیاهان گیر کرد و به زمین افتادم. سرانجام خود را به او رسانده و گفتم که

ملاحظه می‌کردم که کار و زندگی خود را رها می‌کرده و برای کمک به حل مشکلات جوانان اقدام می‌کرد. برخی اوقات هم که به او اعتراض می‌کردم سعی می‌کرد مرا به درستی کاری که انجام می‌دهد متقاعد کند.

دلایل گرایش او به فراگیری علوم اسلامی و عزیمت به حوزه علمیه نجف اشرف چه بوده است؟

مرحوم همسرم یک انسان متدین بود، علاقه داشت فرزندش روحانی شود تا مردم را آگاه کند. ولی بر سر تحصیل روزی میان پدر و فرزند اختلاف نظر بروز کرد و راغب قهر کرد و از خانه بیرون رفت و به گروه‌های فدایی فلسطینی پیوست. پس از گذشت چند هفته با چکمه و اونیفورم نظامی به خانه بازگشت. از او پرسیدم در این مدت کجا بوده‌اید؟ این لباس نظامی و چکمه چیست؟ گفت به جنبش فدائیان فلسطینی پیوسته‌ام.

چند ساله بود که به جنبش مقاومت فلسطینی پیوست؟

حدود ۱۵ سال سن داشتم. پس از گذراندن دوره آموزش نظامی به او معرفی نامه داده بودند تا به یکی از پایگاه‌های فدائیان در جنوب لبنان ملحق شود. از او خواسته بودند تا رسیدن به مقصد این نامه را میان راه باز نکند. ولی شیخ راغب پاکت نامه را باز کرد و خواند. نمی‌دانم در نامه چه نوشته بودند. ولی شیخ راغب نامه را پاره کرده و به خانه بازگشت و از پیوستن به فدائیان فلسطینی خودداری کرد. به پدرش گفتم لزومی ندارد با فلسطینی‌ها همکاری کند. برای او شغلی دست و پا کنید تا در خانه بماند.

علت تجدید نظر در همکاری با فلسطینی‌ها چه بوده است؟

پس از گذشت یک هفته، فلسطینی‌ها او را فرا خواندند و علت غیبت او را جویا شدند. شیخ راغب به آنان گفت: «جوانانی که ایستاده ادراک می‌کنند، و طهارت را رعایت نمی‌کنند، نمی‌توانند فلسطین را آزاد کنند. کسانی که موازین دینی را سبک می‌شمارند شایستگی آزادی فلسطین را ندارند». این یکی از دلایلی بود که سبب شد شیخ راغب از ادامه همکاری با فلسطینی‌ها خودداری کند.

آنگاه پدرش او را به حوزه علمیه سید محمد حسین فضل الله در منطقه النبعه در شرق بیروت اعزام کرد تا دروس دینی بیاموزد. پس از گذشت مدتی تحصیل در بیروت، اعزام حوزه علمیه نجف اشرف شد و به مدارس دینی شهید آیت الله سید محمد باقر صدر پیوست.

از تحصیل در حوزه علمیه نجف اشرف ابراز رضایت می‌کرد؟

بسیار راضی بود، ابراز خرسندی می‌کرد. بیشتر طلاب لبنانی حوزه علمیه نجف در تعطیلات تابستان به لبنان می‌آمدند. او برای من تعریف کرد که در یکی از آن سال‌ها





امنیتی در پوشش میهمان و اظهار دوستی به خانه‌مان آمد و شیخ راغب به مدت یک‌ماه از او پذیرایی کرد. روی بام خانه خیمه زده بودیم و شب‌های تابستان جوانان و دوستان شیخ راغب در سایه آن به شب نشینی و بحث و گفت و گو می‌پرداختند. روزی مأمور امنیتی عراق ناگهان ناپدید شد. فرزندانم پشت بام رفته و او را جستجو کردند. اما از او خبری نیافتند. نامه‌ای یافتند که مأمور مزبور گوشه فرش برجای گذاشته و بدون خداحفاظی خانه را ترک کرده بود. مأمور مزبور در نامه خود خطاب به شیخ راغب حرب چنین نوشته بود: «رژیم عراق مرا مأمور کرده تا شما را ترور کنم. ولی در این مدت که میهمان شما بودم احساس کردم ترور شما گناه نابخشودنی است. جایز ندانستم شما را ترور کنم. به همین دلیل از اجرای دستورات رژیم حزب بعث عراق صرف نظر می‌کنم. ولی شما مراقب خودتان باشید. امکان دارد این مأموریت را به شخص دیگری موکول کنند.»

او را نشناختید؟
او خود را یک شهروند عراقی معرفی کرده که مورد خشم رژیم صدام قرار گرفته و از شیخ راغب تقاضا کرده بود به او پناه بدهد. زیرا شیخ راغب بر اساس رهنمودهای شهید آیت الله سید محمد باقر صدر که حزب بعث را کافر دانسته بود با عوامل و طرفداران حزب بعث در لبنان به شدت مبارزه می‌کرد. به همین دلیل مورد خشم و غضب رژیم صدام قرار داشت. در یکی از سفرهای حج که همراه شیخ محمد مهدی شمس الدین نایب رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان به عربستان سعودی رفته بود مأموران امنیتی عربستان در فرودگاه جدّه به شیخ راغب توصیه کردند که مراقب خود باشند. زیرا مأموران سعودی اطلاع یافته بودند که رژیم صدام افرادی را به عربستان اعزام کرده تا برخی روحانیون لبنانی را ترور کنند. هنگامی که ملاحظه می‌کردم که فرزندانم به این مقام و جایگاه رسیده خوشحالی سراسر وجودم را فرا گرفته

بود. خدا را سپاس می‌گفتم که مقام و جایگاه شیخ راغب دستاورد تربیت خویش می‌باشد. خداوند را سپاسگزارم که در راه او به شهادت رسیده است. خدا را سپاس می‌گویم که فرزندان پرهیزکار و رستگار به من ارزانی کرده است. فرزندانم مایه عزت و سرفرازی من هستند. از خداوند مسئلت دارم همه جوانان را در راه رستگاری و ایمان رهنمون سازد.

آیا سایر فرزندان‌تان به ویژه شیخ اسماعیل حرب و آقای خلیل حرب راه برادرشان را ادامه می‌دهند؟
همین طور است. خدا را سپاس می‌گویم که سایر فرزندانم این راه را ادامه می‌دهند. جوانان مبارز و رستگار هستند. نوادگان من هم این چنین هستند. اکنون هم خانه‌های ما پاتوق جوانان مؤمن و مقاوم می‌باشند. اگر جوانان مؤمن و مسلمان به خانه‌مان نیایند، این خانه به چه درد می‌خورد؟

شیخ راغب در چه سنی ازدواج کرد؟
فرزندم در سن ۱۷ سالگی با دختر عموی خود ازدواج کرد. روزی به سراغ پدرش رفت و به او گفت که دختر عمویش را دوست دارد و درصدد است با او ازدواج کند. پدر بی‌درنگ موافقت نمود و زمینه این ازدواج را فراهم کرد.

با شما نیز مشورت کرد؟
آری. نظر من را نیز جویا شد و به او تبریک گفتم. پدر شیخ راغب بزرگ خاندان حرب بود و همه از او اطاعت می‌کردند.

از شیخ راغب حرب چند فرزند مانده است؟
هفت فرزند دارد. دو پسر و پنج دختر. آخرین فرزند او پسر است که چهار ماه پس از شهادت پدر متولد شد و این فرزند نیز راغب نام دارد. ■

شیخ راغب روزی به فلسطینی‌ها گفت: کسانی که موازین دینی را سبک می‌شمارند شایستگی آزادی فلسطین را ندارند». این یکی از دلایل عدم همکاری او با فلسطینی‌ها بود.

اسرائیلی‌ها شما را رها نخواهند کرد، مدتی به بیروت بروید و خود را پنهان کنید. ولی او نپذیرفت. نسبت به راهی که انتخاب کرده بود راضی بودم، و به همین دلیل نگران او نبودم.

با شما مشورت هم می‌کرد و تصمیمات خود را با یا پدر در میان می‌گذاشت؟

زمانی که پدرش زنده بود، با پدر مشورت می‌کرد، هر کاری که می‌خواست انجام دهد با پدر مشورت می‌کرد. من سرگرم خانه داری و تربیت فرزندانم بودم.

شیخ راغب چند ساله بود که پدرش فوت کرد؟

پدرش در سن ۵۰ سالگی فوت کرد و شیخ راغب آن روزها ۲۳ سال سن داشت.

چرا تحصیلات کلاسیک را ناتمام گذاشت؟

تا مرحله دبیرستان درس خواند، ولی به برنامه‌های آموزشی مدارس دولتی علاقه نداشت. به آموزگاران می‌گفت که علاقه‌ای به آموختن زبان فرانسه ندارد، فرانسه یک کشور استعمارگر است. به فراگیری علوم اسلامی علاقه داشت. به همین دلیل عازم حوزه علمیه نجف اشرف شد. شیخ راغب از ابتدای جوانی به مسائل دینی گرایش داشت.

گفته شده که فرزندان به مسجد و حسینیه اکتفا نمی‌کرد و برخی فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی‌اش را در خانه انجام می‌داد. احساس نمی‌کردید که مزاحم زندگی شماست؟

هرگز... به طور مثال زمانی که با استادان نجف اشرف درگیری لفظی پیدا کرد، رژیم عراق فردی را به لبنان اعزام کرد تا شیخ راغب حرب را ترور کند. این مأمور

